خبر

۹۹ درصد مبلغ کلزای خریداری شده به کشاورزان گلستان پرداخت شد

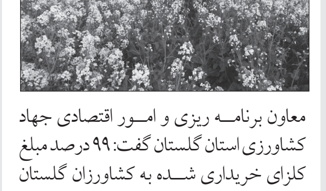

معاون برنامه ریزی و امور اقتصادی جهاد کشاورزی استان گلستان گفت: ۹۹ درصد مبلغ کلزای خریداری شده به کشاورزان گلستان پرداخت شد.حسین کاویانی در گفتگو با خبرنگار مهر، ضمن اشاره به پرداخت دو هفته ای وجه گندم کاران در سال گذشته، اظهار کرد: در سال جاری اولین خرید برداشت گندم سوم خرداد ماه بود. آنهایی که گندم خود را از سوم تا بیست و سوم خرداد ماه تحویل دادند بیش از ۵۰ درصد وجه را دریافت کردند و آن هایی که از بیست هفتم خرداد محصول گندم خود را تحویل مراکز خرید دادند نتوانستند دریافتی داشته باشند که البته این یکی از دغدغه های اصلی ما است.وی افزود: ما از ابتدای خرید گندم پیگیری های زیادی انجام دادیم و هرکس در جایگاه تخصصی و کاری خودش در این راستا اقداماتی را انجام داد. مصرف گندم استان گلستان حدود ۲۴۰ الی ۲۵۰ هزار تن است. گندم مازاد که از کشاورزان خریداری شده است باید به استان های دیگر فروخته شود تا وجه کشاورزان پرداخت شود.

کاویانی در ادامه به پرداخت ۱۴۰ میلیارد تومان وجه کلزا و بیش از ۴۰ میلیارد تومان وجه جو اشاره کرد و گفت: سال جاری ۴۹ هزار و ۷۰۰ تن برداشت کلزا داشتیم که بیش از ۹۹ درصد وجه کلزاکاران پرداخت شده است. علت باقی مانده وجوه پرداختی اشکال در حساب برخی کلزاکاران است که با اصلاح شماره حساب کلزا کاران عزیز برطرف خواهد شد.

سرانه ناچیز فضای سبز در گرگان

عضو شورای اسلامی شهر گرگان با انتقاد از میزان سرانه فضای سبز شهروندان در گرگان گفت: اگر پارک های جنگلی و بلوارها را از سرانه کم کنیم متوسط فضای سبز موجود کمتر از یک متر مربع است. به گزارش مهر، فائزه عبداللهی در صحن علنی شورای شهر گرگان، با بیان این که شهر گرگان از معضلات بی شماری رنج می برد، گفت: برای تدبیر درست و استفای بهره وری فعالیت ها و جلوگیری از تداخل ها باید همه نیروها که در اداره شهر گرگان مسئولیت مستقیم دارند با همه توان بسیج شوند تا این مشکلات مرتفع شود. دومین نکته ای که عبداللهی به آن پرداخت پیشنهاد تشکیل کارگروه مشترکی با عضویت اعضای شورا، مجمع نمایندگان استان، شهردار و معاونین شهردار و مجموعه استانداری و قوه قضاییه بود تا در قالب دبیرخانه ای در شورای اسلامی شهر، مسئولیت ها را دنبال کنند و جلسات به شکلی ساختارمند تداوم یابد. وی ادامه داد: تأسیس و راه اندازی مرکز پژوهش های شورا نیز بسیار مهم است. تشکیل چنین مجموعه ای می تواند با اقدامات پژوهش محور و دانش بنیان، از تصمیمات آنی و غیرکارشناسی جلوگیری کند. باید برای راه اندازی این مرکز از تجربه مراکز پژوهشی کلان شهرها بهره گرفت و ساختار جدیدی ایجاد کرد.این عضو شورای شهر همچنین چند پیشنهاد برای ادامه کار شورا داشت. وی گفت: شبکه معابر شهر گرگان حدود ۱۸ درصد مساحت کل شهر بوده که متوسط این عدد در کشور حدود ۲۵ درصد است. لذا بازگشایی معابر پیشنهادی در طرح جامع مصوب از ضروریات است.وی اضافه کرد: بازگشایی ۳۰ متری تالار به سمت شهر و اتصال آن به خیابان های پارتیان و در دراز مدت امتداد آن به سمت کوی طبیعت از اراضی بالادست قلعه حسن که به عنوان یک ریل عمل کند و مورد دوم بازگشایی ۳۰ متری نیایش از مقابل هتل سرفراز و اتصال آن به جاده آق قلا از طرح های پیشنهادی برای بازگشایی معابر است. وی ادامه داد: در رابطه با مباحث طرح جامع به استناد مطالعات طرح جامع تحقق پذیری طرح های سابق حدود ۴۰ درصد بوده است که این عدد در موضوعاتی مانند فضای سبز و پارک ها بسیار کمتر است.عضو شورای شهر گرگان تصریح کرد: اگر پارک های جنگلی و بلوارهای معابر را از سرانه کم کنیم متوسط کاربری فضای سبز موجود در شهر کمتر از یک متر مربع است و این در حالی است که متوسط کشوری بین ۷ تا ۱۲ متر مربع است. وی تاکید کرد: تملک اراضی همانند دخانیات و باغ روس ها و تبدیل آن به پارک از ضروریات است. همچنین توسعه پارک های محلی نیاز به توجه خاص دارد. عبداللهی گفت: مشابه فضای سبز، پارکینگ های طبقاتی نیز وضعیت مطلوبی ندارد و باید چاره ای برای آن اندیشید.وی اضافه کرد: بافت تاریخی گرگان به مساحت ۱۴۰ هکتار حال و روز خوبی ندارد و حتی قرار بود ۴۰ هکتار هسته مرکزی آن احیاء، مرمت و بازسازی شود. اما جز چند تک بنا که به همت راه و شهرسازی صورت گرفته اتفاق خاصی نیفتاده است.وی بیان کرد: در این خصوص باید چاره اندیشی شود. در خصوص خرید خانه های قدیمی که در بودجه دیده شده باید اقدامات لازم صورت گیرد.وی بیان کرد: گرگان حدود ۶۰۰ هکتار بافت فرسوده دارد که اجرای طرح های توانمندسازی همانند توسعه رودخانه محلات و افزایش سرانه های کاربری عمومی از جمله پارک، مراکز بهداشت، زمین بازی و آموزش افراد توسط گروه های مردم نهاد از ضروریات است.

آب های زیر زمینی گلستان

سفره هایی که خالی می شوند

قضات استان، احکام زیادی برای پلمپ چاه های غیرمجاز صادر کرده اند که در نوبت اجرا هستند .رئیس کل دادگستری گلستان با بیان این که پیشروی کویر از سمت شمال استان و عمیق تر شدن چاه های کشاورزی، زنگ خطر پایین رفتن سطح آب های زیرزمینی در گلستان را به صدا در آورده است، گفت: دادگستری استان در حیطه وظایف خود در این بخش، قاطعانه وارد عمل شده است و احکام زیادی برای پلمپ چاه های غیر مجاز در محاکم استان صادر شده است که در نوبت اجرا هستند .هادی هاشمیان افزود: حفظ داشته های زیست محیطی یکی از خواسته های مهم مردم از دستگاه قضایی استان است .هاشمیان در ادامه سخنان خود به کاهش ساخت و سازهای غیرمجاز در زمین های کشاورزی و منابع طبیعی استان هم اشاره کرد و گفت: در گذشته روال بر تخریب بناهای غیرمجاز پس از ساخت بود اما دستگاه قضایی استان این روال را تغییر داد و دستگاه های متولی را مکلف کردیم از همان ابتدا جلوی ساخت و سازهای غیرمجاز را بگیرند. وی افزود: پیشگیری های دادگستری استان نتیجه داد و تعداد گزارش های دستگاه های متولی حفظ اراضی کشاوری و منابع طبیعی استان به دادگستری از ۱۸ مورد در سال ۹۴ به بیش از یکصد گزارش در سال ۹۵ رسید .این مقام ارشد قضایی استان افزود: افزایش نظارت ها و جدیت دستگاه قضایی استان، دست اندازی و تغییر کاربری غیرمجاز زمین های کشاورزی و منابع طبیعی استان را به میزان چشمگیری کاهش داد .هاشمیان در بخش دیگری از سخنان خود به تلاش های دادگستری در اجرای برنامه های پیشگیری و استفاده از ظرفیت همه دستگاه های اجرایی گفت: این همدلی و همراهی نتیجه داد و سال ۹۵ بر خلاف سال های گذشته، نه تنها افزایش ورودی پرونده نداشتیم بلکه، تعداد پرونده ها ۲۰ هزار فقره کاهش یافت.

گردشگری مهمترین زیرساخت ایجاد اشتغال در گلستان است

استاندار گلستان با بسیار خوب دانستن ظرفیت های گردشگری این استان گفت: حوزه گردشگری مهمترین زیرساخت برای ایجاد اشتغال در گلستان است. به گزارش ایرنا، حسن صادقلو در مراسم آغاز عملیات اجرایی احداث هتل در رامیان در شرق گلستان اظهار داشت: برای ایجاد زیرساخت های گردشگری گلستان باید از سرمایه گذاری در این بخش حمایت شود. وی با بیان اینکه ایجاد اشتغال از منویات رهبری انقلاب و سیاست های دولت تدبیر و امید است، افزود: ظرفیت های گردشگری و میراث فرهنگی گلستان فرصت خوبی برای تحقق اشتغال پایدار در این استان است.صادقلو با اشاره به رویکرد جدید گردشگری در دنیا و اشتیاق به حضور در طبیعت، بیابان ها، کویر و بوم گردی اضافه کرد: مناطق گردشگری گلستان تمامی این ظرفیت ها را دارد که باید زیرساخت آن نیز با حمایت از سرمایه گذاران بخش خصوصی فراهم شود.وی با تاکید بر ضرورت حرکت به سمت رویکرد جدید گردشگری دنیا، تصریح کرد: برای تحقق این مهم باید از دانش بومی و تاریخی هر منطقه و روستا با تلفیق آن با علم روز استفاده کرد.استاندار گلستان همچنین از منابع طبیعی، برج قابوس، دیوار دفاعی گرگان، گل فشان، قلعه میران و گل رامیان به عنوان برخی از مهمترین ظرفیت های کم نظیر گردشگری این استان نام برد و خاطرنشان کرد: توجه به این ظرفیت ها و دیگر ظرفیت های این حوزه که در برخی شهرها از جمله رامیان مغفول مانده، راهگشای توسعه گردشگری و ایجاد اشتغال در گلستان است. صادقلو گفت: همه همت مدیران گلستان احیای ظرفیت های تاریخی، گردشگری و صنایع دستی این استان است.

خبر

گلستان دمای ۴۵ درجه سانتی گراد را تجربه خواهد کرد

مدیرکل هواشناسی استان گلستان از افزایش دمای هوا در گلستان تا مرز ۴۵ درجه سانتی گراد خبر داد. نوربخش داداشی در رابطه با آخرین الگوهای پیش‌یابی هواشناسی در سطح استان به مهر گفت: شنبه‌شب بانفوذ موج سامانه پرفشار مستقر در غرب حوزه خزر، ابتدا وزش موقتی نسبتاً شدید باد در ناحیه مرزی و سپس افزایش ابر در گلستان را شاهد بودیم. وی افزود: با عبور این موج شرایط آب و هوایی به حالت عادی خود بازگشته و سامانه کم‌فشار تابستانه جایگزین آن خواهد شد، بنابراین شرایط جوی استان گلستان تا روز دوشنبه نسبتاً پایدار خواهد بود. مدیرکل هواشناسی گلستان گفت: در نیمه دوم هفته جاری با استقرار الگوی تابستانه بر فراز ایران (کم‌فشار حرارتی فصلی) شاهد افزایش گرما و همچنین افزایش نسبی دمای حداکثری در استان گلستان خواهیم بود. داداشی تصریح کرد: طی روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه در ناحیه شرقی و در روز پنجشنبه کل استان دما به حدود ۴۰ تا ۴۵ درجه سلسیوس خواهد رسید.وی اظهار کرد: در حال حاضر دمای شهر گرگان ۳۱ درجه، مراوه‌تپه با ۳۵ درجه گرم‌ترین شهر استان و بندر ترکمن با ۳۰ درجه خنک‌ترین شهر استان گزارش شده است.

امدادگران هلال احمر اطلاعات خود را به روز نگه دارند

دبیرکل جمعیت هلال‌احمر گفت:تمامی نجات گران و امدادگران باید همیشه اطلاعات خود را به‌روز کرده و در هرلحظه آماده خدمت‌رسانی به حادثه دیدگان باشند. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی جمعیت هلال‌احمر گلستان، مصطفی محمدیون در بازدید از پایگاه امداد و نجات بین‌شهری قرق شهرستان گرگان اظهار کرد: تلاش برای نجات جان دیگران در هر شرایطی جزو اقداماتی است که به‌طورقطع پاداش دنیوی و اخروی بالایی دارد. وی از تلاش تمامی امدادگران در سطح کشور در راستای دستگیری از مجروحان، گمشدگان و حادثه‌دیدگان تشکر کرد و گفت: حضور شما در سطح جاده‌ها و مسیرهای مختلف کشور در کنار برقرارکنندگان نظم و امنیت، موجب آرامش خاطر و امنیت روانی برای مسافران و مردم است. دبیرکل جمعیت هلال‌احمر خاطرنشان کرد: خوشبختانه امروز امدادگران و نجات گران جمعیت هلال‌احمر از آمادگی و توانمندی بسیار بالایی برخور دارند و تمامی نجات گران و امدادگران باید همیشه اطلاعات خود را به‌روز کرده و در هرلحظه آماده خدمت‌رسانی به حادثه دیدگان باشند. محمدیون به حضور سریع، دقیق و مؤثر تیم‌های امداد و نجات در عرصه‌های جاده‌ای، کوهستان، دریا و سواحل در سطح کشور اشاره کرد و گفت: تأثیرپذیری مجموعه هلال‌احمر امروز بر همگان مشخص است، پس همه ما باید تلاش کنیم تا نجاتگر و امدادگر مردمی باشیم که به ما اعتماد کردند.

شهرداری گرگان از سرویس اینترنتی جابجایی مسافر حمایت می کند

شهردار گرگان ضمن حمایت از سرویس های اینترنتی جابجایی مسافر، خواستار راه اندازی آن ها در گرگان شد.به گزارش مهر، حسین صادقلو، شامگاه شنبه در صحن علنی شورای شهر گرگان، اظهار کرد: یک مرکز اسنپ در گرگان دایر می شود و آژانس ها به تمایل خود در آن مرکز ثبت نام کنند. وی در اعتراض آژانس داران به ایجاد چنین مرکز گفت: نگرانی مدیران کاملاطبیعی است اما با ورود تکنولوژی نمی‌توان مخالفت کرد. قرارداد با این مرکز به صورت حق العمل کاری است و آنان اجازه تشکیل آژانس ندارند. وی ادامه داد: ما سعی داریم سیستم را هوشمند کنیم. اجرای این نرم افزار مزایایی از جمله پایین آمدن آلودگی محیط زیست، رسیدن سریع مسافر به مقصد، کاهش مصرف سوخت، کاهش استهلاک خودرو دارد. صادقلو گفت: مدیران آژانس ها بهتر است در جلسات شورای تاکسیرانی حضور داشته باشند تا از چگونگی این طرح به صورت کامل مطلع شوند.

آغاز پرداخت دیه به خانواده جانباختگان حادثه معدن آزادشهر

پرداخت دیه دو میلیارد و ۱۰۰ میلیون ریالی به خانواده (وراث) جانباختگان حادثه معدن زمستان یورت آزادشهر درشرق استان گلستان با حضور ابراهیم کاردگر مدیرعامل بیمه آسیا در محل فرمانداری این شهرستان آغاز شد. به گزارش ایرنا، پرداخت دیه حوادث جانباختگان حادثه معدن آزادشهر روز شنبه در آیینی در محل فرمانداری این شهرستان انجام و سهم ارث هر یک از پدر، مادر و همسر جانباختگان حادثه معدن در چک های جداگانه به آنان تحویل شد. همچنین قرار است سهم ارث فرزندان جانباختگان حادثه غم انگیز معدن زغال سنگ زمستان یورت آزادشهر با حکم مرجع قضایی به حساب آنان واریز شود. مدیرعامل شرکت بیمه آسیا در مراسم تحویل چک خسارت به بازماندگان حادثه معدن زغال سنگ آزادشهر، با تسلیت این حادثه به خانواده ها، گفت: بیمه آسیا به عنوان شرکت بیمه گر معدن زمستان یورت آزادشهر از ابتدای رخداد این حادثه آمادگی خود را برای پرداخت کامل خسارت دیه اعلام کرد.ابراهیم کاردگر افزود: آن دسته از خانواده جانباختگان معدن آزادشهر که مراحل قانونی انحصار وراثت را انجام دادند، دیه متعلقه بلافاصله بر اساس سهم ارث به آنان پرداخت می شود. وی بابیان اینکه تاکنون پنج خانواده جانباختگان این حادثه مراحل انحصار وراثت را انجام داده اند، اضافه کرد: دیه سایر خانواده ها نیز بلافاصله پس از انجام مراحل قانونی به آنان پرداخت می شود و دراین خصوص هیچ مشکلی وجود ندارد.

آگهی فروش املاک

شرکت گسترش ساختمانی لوتوس پارسیان به شماره ثبت ۲۵۳۱۱۴ مورخ ۱۳۸۴/۵/۲۶ به نمایندگی از طرف مالک در نظر دارد نسبت به فروش املاک مشروحه ذیل به صورت یکجا از طریق مزایده عمومی به صورت نقد واقساط اقدام نماید.

شرکت گسترش ساختمانی لوتوس پارسیان

لیست املاک

ردیف	آدرس	پلاک ثبتی	قطعه بخش	نوع ملک کاربری	عرصه	اعیان	پارکینگ انباری	قیمت پایه مزایده (ریال)
۱	گرگان- خیابان ولی عصر – بین عدالت ۱۲ و ۱۴ طبقات فوقانی بانک پارسیان غرب طبقه اول	۳۹۶۱/۶۲۵	۲ ۱	آپارتمان مسکونی دفتر کار	قدرالسهم	۱۱۷/۱۲	دارد --	۳،۶۳۰،۰۰۰،۰۰۰
۲	گرگان- خیابان ولی عصر – بین عدالت ۱۲ و ۱۴ طبقات فوقانی بانک پارسیان شرق طبقه اول	۳۹۶۱/۶۲۶	۳ ۱	آپارتمان مسکونی دفتر کار	قدرالسهم	۱۲۲/۹۱	دارد --	۳،۶۸۰،۰۰۰،۰۰۰
۳	گرگان- خیابان ولی عصر – بین عدالت ۱۲ و ۱۴ طبقات فوقانی بانک پارسیان غرب طبقه دوم	۳۹۶۱/۶۲۷	۴ ۱	آپارتمان مسکونی دفتر کار	قدرالسهم	۱۲۴/۰۴	دارد --	۳،۸۴۵،۰۰۰،۰۰۰
۴	گرگان- خیابان ولی عصر – بین عدالت ۱۲ و ۱۴ طبقات فوقانی بانک پارسیان شرق طبقه دوم	۳۹۶۱/۶۲۸	۵ ۱	آپارتمان مسکونی دفتر کار	قدرالسهم	۱۳۴/۹۸	دارد --	۴،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰
۵	گرگان- خیابان ولی عصر – بین عدالت ۱۲ و ۱۴ طبقات فوقانی بانک پارسیان غرب طبقه سوم	۳۹۶۱/۶۲۹	۶ ۱	آپارتمان مسکونی دفتر کار	قدرالسهم	۱۲۵/۳۹	دارد --	۳،۸۸۰،۰۰۰،۰۰۰
۶	گرگان- خیابان ولی عصر – بین عدالت ۱۲ و ۱۴ طبقات فوقانی بانک پارسیان شرق طبقه سوم	۳۹۶۱/۶۳۰	۷ ۱	آپارتمان مسکونی دفتر کار	قدرالسهم	۱۳۴/۹۸	دارد --	۴،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰
۷	گرگان- خیابان ولی عصر – بین عدالت ۱۲ و ۱۴ طبقات فوقانی بانک پارسیان غرب طبقه چهارم	۳۹۶۱/۶۳۱	۸ ۱	آپارتمان مسکونی دفتر کار	قدرالسهم	۱۲۶/۷۴	دارد --	۳،۹۳۰،۰۰۰،۰۰۰
۸	گرگان- خیابان ولی عصر – بین عدالت ۱۲ و ۱۴ طبقات فوقانی بانک پارسیان شرق طبقه چهارم	۳۹۶۱/۶۳۲	۹ ۱	آپارتمان مسکونی دفتر کار	قدرالسهم	۱۳۴/۹۸	دارد --	۴،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰
۹	گرگان- خیابان ولی عصر – بین عدالت ۱۲ و ۱۴ طبقات فوقانی بانک پارسیان غرب طبقه پنجم	۳۹۶۱/۶۳۳	۱۰ ۱	آپارتمان مسکونی دفتر کار	قدرالسهم	۱۲۷/۸۶	دارد --	۳،۹۶۰،۰۰۰،۰۰۰
۱۰	گرگان- خیابان ولی عصر – بین عدالت ۱۲ و ۱۴ طبقات فوقانی بانک پارسیان شرق طبقه پنجم	۳۹۶۱/۶۳۴	۱۱ ۱	آپارتمان مسکونی دفتر کار	قدرالسهم	۱۳۴/۹۸	دارد --	۴،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰

ملاحظات

۱-اخذ درخواستهای پیشنهادی به همراه فرم شرکت در مزایده و اصل یک فقره چک بانکی در وجه متقاضی به میزان ۵٪ قیمت پایه ملک از روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۶/۰۴/۱۲الی چهارشنبه مورخ ۱۳۹۶/۰۴/۲۱ از ساعت ۸ صبح لغایت ۱۶بعد از ظهر در محل بازگشایی پاکت ها انجام می پذیرد.

۲- نحوه دریافت ثمن معامله و شرایط پرداخت جهت تنظیم مبایعه نامه به شرح جدول ذیل می باشد.

سپرده شرکت درمزایده	حصه نقدی و زمان تحویل ملک	تتمه ثمن معامله بصورت اقساط ۳۶ ماهه و بدون سود و کارمزد	زمان تنظیم سند
٪۵	٪۳۰	٪۶۰	٪۵

۳- رعایت مفاد فرم شرکت در مزایده الزامی است .

۴- پیشنهاد های فاقد سپرده ، مخدوش مبهم و مشروط از درجه اعتبار ساقط می باشد.

۵-بازگشایی پاکت های ارائه شده در **روز پنج شنبه مورخ ۱۳۹۶/۰۴/۲۲ راس ساعت ۱۱ صبح** در محل شرکت گسترش ساختمانی لوتوس پارسیان به نشانی تهران: خیابان شیخ بهایی شمالی ، روبروی امداد خودرو ایران، پلاک ۷۹، طبقه دوم خواهد بود.

۶-ملک عرضه شده با وضعیت موجود به فروش می رسد و فقط شامل مالکیت عرصه و اعیان می باشد و بازدید از ملک مورد درخواست با هماهنگی بانک پارسیان شعبه ولیعصر گرگان الزامی است.

توضیحا، هر واحد آپارتمان فقط دارای یک باب پارکینگ و فاقد انباری است.

۷-شرکت گسترش ساختمانی لوتوس پارسیان در رد و یا قبول درخواست ها در هر مرحله مجاز خواهد بود .

۸-شایان ذکر است مهلت تهیه فرم شرکت در مزایده صرفا" تا **ساعت ۱۰صبح روز پنج شنبه مورخ ۱۳۹۶/۰۴/۲۲** در محل تعیین شده میباشد.

۹- ودیعه شرکت در مزایده نفرات چهارم و بعد از آن پس از اعلام نتایج در **روزشنبه مورخ ۱۳۹۶/۰۴/۲۴** در محل تعیین شده با در دست داشتن اصل رسید به شخص متقاضی مسترد خواهد شد. متقاضیان میتوانند جهت کسب اطلاعات بیشتر در گرگان با تلفن ۵ الی۳۲۳۵۸۸۰۱ – ۰۱۷ و در تهران با تلفن های ۸۸۶۰۴۴۳۵ و ۸۸۶۱۲۳۴۳و تلفن های همراه۰۹۳۳۸۸۸۳۳۹۱ و ۰۹۱۲۱۰۰۷۰۴۷تماس حاصل نمایند.

آگهی های ثبتی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر آراء هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی در واحد ثبتی کردکوی تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضیان محرز گردیده است . لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح ذیل به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و بعد از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.

۱- آقای علی یزدانی فرزند غلامحسین به شماره شناسنامه ۴۷۹صادره مانه و سملقان به شماره ملی ۵۲۴۹۱۲۳۵۷۰ در ششدانگ اعیانی به انضمام ۷۶۴ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه که بقیه ان وقف عام است به مساحت ۵۴۳،۰۷ متر مربع پلاک ۲ اصلی واقع در گلستان بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی طبق رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۰۳۸۲ –۹۶/۰۳/۰۲کلاسه پرونده ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۱۱۰

۲- آقای رضا کیاء فرزند محرمعلی به شماره شناسنامه ۲۲۴۰۰۷۸۴۹۹ صادره کردکوی به شماره ملی ۲۲۴۰۰۷۸۴۹۹ در ششدانگ اعیانی به انضمام ۷۶۴ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه که بقیه ان وقف عام است به مساحت ۴۰۲،۲۳ متر مربع پلاک ۲ اصلی واقع در گلستان بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی طبق رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۰۳۸۱ –۹۶/۰۳/۰۲کلاسه پرونده ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۱۱۱

۳-خانم آسیه سادات مداحی فرزند رمضان به شماره شناسنامه ۳۸۱ صادره کردکوی به شماره ملی ۲۲۴۹۱۱۹۷۹۱ در ششدانگ اعیانی به انضمام ۷۶۴ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه که بقیه ان وقف عام است به مساحت ۲۰۰،۳۴ متر مربع پلاک ۲ اصلی واقع در گلستان بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی طبق رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۰۴۰۱ –۹۶/۰۳/۰۶کلاسه پرونده ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۰۴۱

۴--خانم مریم سعیدی فرزند علی به شماره شناسنامه ۹۵۰ صادره گرگان به شماره ملی ۲۲۱۲۱۳۷۵۰۴۱ در ششدانگ یک قطعه باغ که مقدار ۱۰۰ سهم مشاع از ۸۶۴سهم ششدانگ عرصه وقف عام است به مساحت ۵۵۰۰ متر مربع پلاک ۲ اصلی واقع در گلستان بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی طبق رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۰۴۲۵ –۹۶/۰۳/۰۷کلاسه پرونده۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۰۰۸

تاریخ انتشار نوبت اول : ۹۶/۰۳/۲۷

تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۶/۴/۱۲ م.الف: ۸۵۰۲

رحمت خداداد- رییس ثبت اسناد و املاک شهرستان کردکوی

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۲۹۳/۲۴ مترمربع پلاک ۱۱۵۴۴ فرعی از ۳ ـ اصلی بخش ۳ ثبت گرگان ملکی آقای امیر نعمتی فرزند یداله در ساعت ۱۰ صبح روز پنج شنبه مورخه ۱۳۹۶/۵/۱۲ در محل وقوع ملک واقع درگرگان ـ جرجان ۲۴ ـ کوچه صفری سوم بعمل خواهد آمد. از این رو چنانچه مجاوری نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است می تواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه برآن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می¬تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

محمد اسماعیل پور ـ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک گرگان ـ

۳۶۲ م الف

مفقودی

پروانه وکالت سمیه اسپانلو به کد ملّی ۴۸۸۹۹۰۷۸۴۱ به شماره ۴۱۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

گلشن مهر
۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶

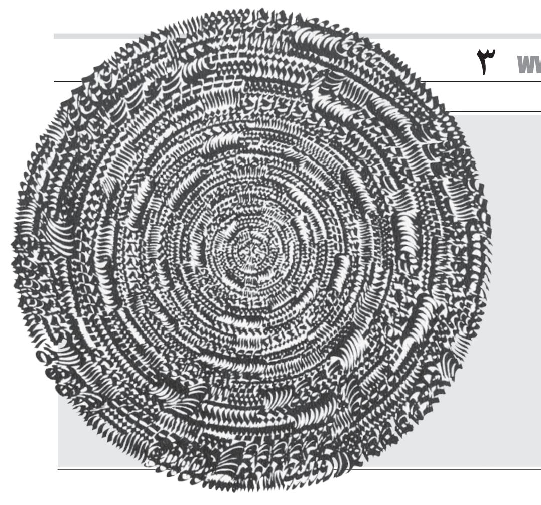

فوتبال و ایده های خلاق

داستانی از علی رایجی

فوتبال های حساس یک ویژگی خاص دارند و آن این است که دوستان را دور هم جمع می کند تا دو ساعتی را به بهانه ای در کنار هم باشند و لذت ببرند. گاهی این دورهمی پیامدهای خاصی هم دارد که حاصل برخورد انسانهاست. مثل خلق ایده. این ایده ها هم وقتی بروز می کنند که خاطره ها را تعریف می کنند. اگر این جمع دوستان آدمهای اهل عملی باشند، نتیجه کار مثبت، و اگر نباشند، نتیجه کار تنها ناله و شکایت از روزگار می شود. اکبر، ناصر، قاسم و بهروز دوستان قدیمی بودند چون علاقه های مشترک زیادی داشتند. اکبر و قاسم با هم باشگاه می رفتند. قاسم و بهروز قبلا بچه یک محل بودند و با هم خدمت رفتند و چند سالی تقریبا همکار بودند. هر دو توی گاراژ کار می کردند. یکی باتری ساز بود و یکی صافکار. ناصر هم خانه مجردی داشت. البته با اکبر در زندان آشنا شده بود. اکبر هم بعد از زندان رانندگی کامیون می کرد. توصیف این چهار نفر زمان می برد. مهم نتیجه فوتبال آن شب است. ناصر یک بار ماشینی را برای تعمیر پیش قاسم برد. قاسم فکر می کرد که ناصر پژو را قرض گرفته؛ اما بعد از چند روز ناصر یک ماشین دیگر هم آورد که معلوم شد دزدی است. این اتفاق موجب دوستی عمیق تر این چند نفر شد. من از مسایل فنی مثل نحوه اجرا و منافع مشترکشان اطلاعی ندارم؛ فقط می دانم برایشان منفعت داشت. ناصر طی آن مدت دو بار دیگر هم زندان رفت و برگشت؛ اما دوستانش را لو نداد.آن شب بازی ال کلاسیکو بود و فقط ناصر رئالی بود. ناصر خاطره های جذاب زیادی داشت که بیشتر از موفقیت هایش در ماشین دزدی بود. همین هم بهانه ای برای دست انداختنش بود. آن شب هم قبل از بازی سر به سرش گذاشتند که باعث شد کمی خلقش تنگ شود. دزدی هایش را مسخره می کردند و می گفتند که دله دزدی می کند. شرط بندی سر فوتبال طبق معمول انجام شد و از آنجا که ناصر کمی مست و ناراحت بود، کَل انداخت و شرط سنگین شد.

–«باشه. اگه امشب بارسلون برد من به کامیون سازمانو می دزدم».

چون لاف بزرگی به نظر می آمد شرط کمی غیرفوتبالی شد و گفتند که اگر این کار را بکند برایش یک پراید نو می خرند. بازی تمام شد و رئال باخت. ناصر گفت کمک لازم دارد.

نازایی زبان و امر خشونت آمیز

مجید کوچکی- اگر بخشی از رسالت هنر و خاصه شعر پرداختن به امور واقع و به تعاقب آن آگاهی بخشیدن به مخاطب نسبت به وضعیت جهان و هستی است،آیا شعر به عنوان مقوله ای هنری با ماهیتی زیباشناسانه ی روح و زبانی که دارد قادر به انجام این عمل خواهد بود یا خیر؟آیا به تاسی از این جمله ی هایدگر که((زبان آشکار کننده جهان است)) می توان بر این دیدگاه صحه گذاشت که زبان شعر به درستی و کمال می تواند آشکار کننده وضعیت جهان باشد؟پرسش بعدی که اهمیت بیشتری دارد این است:آیا در جهانی پر از خشونت می توان به میانجی زبان و به شکل معینی زبان شعر این سویه ی خشونت بار و رنج آور را با درجه ی بالایی از امانت داری در شعر بازتاب بخشید؟

امانوئل لویناس بابت ناتوانی هنر و خصیصه کاهنده اش در برخورد با واقعیت،اثر هنری را به دیده تحقیر نگاه می کرد،او کار هنری را به دلیل ناکامی در پرداخت امور واقع به نحوی که وفادارانه نسبت به واقعیت عمل کند را مورد نقد قرار می داد ،آنطور که در سده های پیشین افلاتون نیز شاعران را شماتت می کرد،به دلیل اینکه شاعران در آفرینش شعر وقتی در ساحت خیال فرو می روند از حقیقت باز می مانند. افلاتون در کتاب جمهوری با اعلام کردن اینکه شعر بخش فرودست نفس آدمی است و از اینکه شعر شور و احساس را بر می انگیزد،شعر را زیان آور می دانست .اما پرسش اساسی این نوشتار این است که در تقابل با آنچه که شاعران در زیباشناسی زبان شعر در نظر می گیرند و آن واقعیت انضمامی خشونت باری که در جهانِ بیرون از متن قرار دارد، آیا شاعر با ایجاد جاذبه های زیباشناسه در زبانِ منجر به انحراف ذهن مخاطب از واقعیت های انضمامی نمی شود؟ آیا این انحراف به نحوی جنبه ی پذیرشگری از وضعیت اسفناک هستی را در خواننده تقویت نمی کند؟ و آیا این جنبه ی تقویت یافته شده پذیرشگری از سوی مخاطب منجر به فقدان کنش و پراکسیس برای تغییر وضعیت جهان در مخاطب نمی شود؟

با اشارات ذکر شده مخاطب دستگیرش می شود که دست کم در برخورد بازبان شعر شاعران باید با وسواس بیشتری برخورد کند،چرا که زبان شعر یا نثر رابطه ی محکمی با موقعیت های تاریخی و سیاسی و دیگر حوزه ها دارد،که هنرمند بنا به ضرورت منش زبانی اثرش را تغییر می دهد،یکی برای رهای از سلطه ی ایدئولوژی و بازار،آنطور که در زبان ساموئل بکت مشهود است و ((تئودور آدورنو)) نیز به آن اشاره داشته،گاهی برای گسستن از قواعد سنتی زبان آنطور که در رویکرد مالارمه در شعر مشهود بود((ترکیب های و واژه های خود ویژه ای که مالارمه در شعر خود به کار می بست باعث آزار خیلی ها در آن دوران شده بود.اما بعد ها همان کارها توانستند به عنوان اتفاقاتی تازه در زبان تثبیت شوند))

اما وقتی بحث زبان و پیوندش با واقعیت به میان کشیده می شود غالبا موضوع ضعف زبان در ارایه واقعیت یا آنچه به عنوان واقعیت، ملموس است مورد توجه قرار می گیرد،به خصوص زبان شعر که همانطور که در آغاز هم به آن اشاره شد به خاطر جنبه های زیباشناختانه غالبا تخفیف دهنده جوهر واقعیت هستند،اگر آنطور که تودوروف و دیگران، یا یدالله رویایی شاعرِ هموطن خودمان اشاره داشته اند که محتوی فرم را می سازند یا این دو عنصَر در گروی هم هستند،آیا محتوی خشونت بار مسایل جهان در شعر را می توان با ارایه فرمی کارآیند به مخاطب انتقال داد؟آیا به محض اینکه خشونت جهان انضمامی بیرون از متن را به زبان شاعرانه می کشیم دست به نابودی و یا کمرنگ کردن آن سویه خشن از واقعیت نمی زنیم؟به طور مثال خشونت جنگ،کشتار دسته جمعی،فقر،تجاوز و دیگر موارد در شعر چه سرنوشتی پیدا می کنند؟ شاید از همین منظر است که ((والتر بنیامین)) گفته بود که هنر فاشیسم را زیباشناسانه می کند،تا به نحوی اشاره داشته باشد که چهره فجیع فاشیسم تنها در بیرون از هنر، ذات واقعی اش حفظ می شود،یا آنطور که تئودور آدورنو در پدیدار شناسی رنج،نسبت به رنج قربانیان آشوویتس مورد بحث قرار داده بود،رنجی که هنر ناتوان از پرداختنش می باشد و در واقع در احیا کردن آن ناکام است.در پیوند زبان و جهان و پدیده های هستی گاهی ضرورت دارد که از زبان زیبایی شناسی زدایی شود تا بتوان میان فرم و محتوا رابطه ی منطقی تر برقرار کرد،عوامل زیباشناختیک زبان در شعری با بن مایه خشونت و رنج بشری منجر به انحراف ذهن خواننده می شود،چرا که سویه های زیباشناسانه زبان چنان سنگین می شود که آنچه در ذهن خواننده رسوب می کند غالبا فراتر از احساسی کیف آور نخواهد بود.در صفحه های آغازین کتاب ((درجه صفر نوشتار)) اثر رولان بارت،مخاطب در کنار فرم و سبک با واژه اسلوب نوشتار هم مواجه می شود از اشارات بارت که دغدغه فراوانی نسبت به مقوله زبان داشت می توان فهمید که او شمایل نوشتار را متاثر از بافت و وضعیت جامعه و پدیده های اجتماعی می داند،او با اشاره به شاخصه های مشترک آثار در جوامع زیر سلطه فاشیسم، بر این دیدگاه متمرکز می شود که اسلوب نوشتار رابطه ی گریز ناپذیری با شرایط جامعه و وضعیت تاریخی دارد،حالا اگر با کمی تغییر زاویه دید از همین دریچه به موضوعی که در ابتدای نوشتار به آن اشاره شد نگاه کنیم می توان موضوع محوری نوشتار را تا حدودی واکاوی کرد،اما برای اینکه از مسیر اصلی نوشتار دور نشویم دوباره مسئله بنیادی بحث را در میان می گذاریم.جهان بیرون از هنر و خاصه شعر جهانی ست سرشار از خشونت و رنج را اگر بخواهیم به میانجی شعر که ساز و کاری زیباشناختانه دارد(ایماژ،جنبه موسیقیایی واژگان.تخیل و ....)تصویر کنیم و تجسم ببخشیم چه بر سر ذات واقعیت یا امور واقعی که قابل لمس هستند می آید؟مقوله زیباشناسی در زبان و ساختار شعر به عنوان فیلتری تلطیف کننده عمل می کند،که به جای ایجاد شوک،منجر به ایجاد لذتی زیباشناختی معطوف به هنر در ذهن مخاطب می شود،در چنین مواقعی هست که هنر متکی بر شعور زبانی هنرمند می تواند تا حد زیادی نسبت به پرداخت دقیق مسایل درست عمل کند،در همین مورد در مقوله شعر می توان از هوشَمندی شاعری چون رضا براهنی به دلیل شم بالایی که در کتاب ظل الله یا شعرهای زندان به خرج داد یاد کرد.در شعرهای این کتاب،مخاطب چندان با مسایل زیباشناختانه در زبان برخورد نمی کند،به خصوص شعرهایی که به موضوع خشونت می پردازد،یکی نمونه از این دست شعرها در این کتاب،شعر((دکتر عضدی ،کتک زن حرفه ای)) است که در واقع گزارشی از خشونت است،شعری که بر علیه آنچه که در رویکردی هنرباورانه می خواهد معرف شعریتش باشد طغیان می کند،تا بتواند به شکلی ملموس خشونت اعمال شده توسط شکنجه گران دستگاه امنیت را در شعر بازتاب دهد/عضدی عینهو چنگیز خان است/راه که می رود انگار از روی جسدها تازه عبور می کند/چنگیز خان هم دندانهایش را مسواک نمی زد/چنگیز خان هم آروغ می زد/چنگیز خان هم پوتین هایش را در نمی آورد/و عضدی امروز دهن بیست شاعر را با مشت خرد کرده است/عضدی کراوات می زند/چیزی که چنگیزخان هرگز نمی زد/تنها این نشانه درخشان است که سیر حرکت تاریخ را نشان می دهد......./ که سطر اخیر یادآور جمله ی ژان ژاک روسو است که گفته بود((تمدن جدید چیزی نیست جز توحش قدیم،فقط در لباسی شیک تر)).براهنی هوشمندانه و آگاهانه با زبانی عریان و افشاگر اقدام به تحریک حس نفرت و انزجار مخاطب می کند تا وقتی درباره شکنجه در زندان حرف می زند مخاطب شعر هم با در آمیختن با فضای ترسیم شده از شکنجه،خود نیز شکنجه شود و آسیب ببیند،چرا که براهنی می دانست که مسئله خشونت چنان اهمیتی دارد که نباید قربانیِ سویه های زیباشناختیِ شعر شود.پس می شود به جای تخفیف دادن زشتیِ و دهشت مسایل رنجبَار به واسطه عناصر زیبا شناختانه،دست به تشدید جنبه های کریه و دهشتناک مسایلی که دامنگیر زندگی بشر است،زد. تا با بالا بردن میزان شوک مخاطب،او را از جایگاهی خنثی دور کرد یا دست کم بیشتر بر انگیخت. هنرمند،و در اینجا شاعر منجی نیست.اما قاعده ای هم وجود ندارد که در مقام تماشاگر باقی بماند،کلمات هم اگر به درستی در شعر قرار بگیرند می توانند باعث تحریک حساسیت مخاطب شوند،در شعر های آلن گینزبرگ هم این چنین هوشمندی ای وجود دارد،گینزبرگ بر ضد سرمایه داری،و با قرار دادن کلمه ی ((ارباب)) که یادآور تاریخچه ای طولانی از سلطه آدمی بر آدمی ست و ترسیم ظلمی که فرودستان می کشند باعث احساس بیزاری مخاطب از طبقه ی سلطه گر می شود،او در شعر ((تو رو خدا ارباب)) به شکلی طعنه زننده((ارباب)) را سوژه محوری شعر قرار می دهد،و خود را در مقام برده ای تحت انقیاد ارباب،اما جنس کلمات و لحن گینزبرگ در این شعر نه بندگی خود خواسته ای است که ژان ژاک روسو از آن حرف می زند که آن را بر محور ((عادت)) می دیده است،نه آنچه ژیل دلوز از آن حرف می زده که مدفوع ارباب،ابژه ی میل برده است)) بلکه به شکلی کنایه آمیز و پارادوکسیکال ظلم و تعرض ارباب را نسبت به فرودست یا برده می خواهد به تصویر بکشد،و آنقدر ((ارباب)) را مورد خطاب قرار می دهد،و آنقدر کنش های شنیع را به ارباب احاله می دهد تا تاریخی از پستی و تعرض و تجاوز را به تصویر کشد،از تعرض ارباب های به کارگران در دوران فئودالیسم گرفته،تا سویه ای که کهن تر،چرا که در ابتدایی ترین جمعیت های بشری به نقل از ((هگل)) این رابطه ی خدایگان و بندگانی وجود داشته،سطر هایی از این شعر را می آوریم و باقی را به پیگیری خواننده واگذار می کنیم. تو رو خدا ارباب،میشه به گونه تو دست بزنم/تو رو خدا ارباب میشه جلو پاتون زانو بزنم/تو رو خدا ارباب میشه بند شلوار آبی تونو شل کنم/تو رو خدا ارباب میشه به شکم تون با اون نرمه موهای بور نگاه کنم/تو رو خدا ارباب میشه رون هاتون جلو چشمم لخت باشه/تو رو خدا ارباب میشه لباسامو زیر صندلی تون در بیارم/تو رو خدا ارباب میشه قوزک هاتونو ببوسم. در کلیت شعر، گینزبرگ با برجسته سازی اعمالی که فی نفسه مخاطب به جایگاه و منش ارباب نسبت می دهد و قرار دادن خود به عنوان موجودی منفعل ،موجودی که می خواهد خود را در کانون ظلم و تحقیر ارباب قرار دهد و پذیرای تمام کنش های مشمئز کننده از سوی ارباب شود،شخصیت ارباب را چنان منزجر کننده تصویر می کند تا ترومای تاریخی ((ارباب–برده)) در ذهن مخاطب احیا شود.و مخاطب با درکی تروماتیک نسبت به مفهوم سلطه در اشکال مختلف آن دچار انزجار شود و به نحوی احساس مقاومت خواننده را نسبت به این مفهوم بیدار می کند.از همین منظر است که سوزان سانتاگ در کتاب((نظر به درد دیگران)) به رویکرد لئوناردو داوینچی تکیه می کند و از قول داوینچی که معتقد بود که هنرمند باید از جسارت کافی برخوردار باشد تا جنگ را با تمام صحنه های سهمناکش نشان بدهد،می گوید ((نگاه خیره هنرمند باید حقیقتا عاری از ترحم باشد. تصویر باید بیننده را از وحشت میخکوب کند و در همین سهمناکی نوعی زیبایی چالش برانگیز وجود دارد.))آنچه را که سانتاگ به عنوان عنصر چالش بر انگیز یادآوری می کند را نباید در خلق اثر،به خصوص شعر از قلم انداخت،حتی با این استدلال که زبان به نسبت تصویر از اعاده کردن واقعیات سهمناک ناتوان تر است،شاعر در پرداختن به مسایل دهشت انگیز باید چنان با دقت جنبه ی بصری خواننده را تحریک کند که دهشت تصاویر و فضاها به آسانی او را رها نکنند،در نمونه های داستانی که این دست تاثیر گذاری را دارند می توان به داستان های ادگار آلن پو و در نمونه ی ایرانی اش به داستان ((ملکوت)) اثر بهرام صادقی اشاره کرد.که داستان نویس نه تنها برای تحمل پذیر کردن مسایل هولناک انسانی تلاشی نمی کند بلکه برای افزایش سهمناکی اش هم چیزی کم نمی گذارد.،بهرام صادقی هم در این داستان که می شود نگرشی آلن پویی را که پیرو زیبایی خوف بود به کار می بَرد تا زوایای خوفناک آدمی را به تصویر بکشد.در پرداختن به مسایل هستی اگر شاعر به طور کامل خود را تحت مطالبات زیباشناختانه شعر در آورد چیزی که تحویل مخاطب می دهد فرسنگ ها با حقیقت فاصله دارد،فریدریش نیچه در کتاب((چنین گفت زرتشت)) ابتدا از زبان زرتشت می گوید که شاعران دروغ می گویند،اما بعد اشاره می کند که این جمله را خودِ زرتشت گفته است،و زرتشت خود یک شاعر است،نیچه به اقتضای زبان استعاری شعر،شعر را محملی برای دروغ می دانسته است،اگرچه کار شاعران را به نسبت،به حقیقت نزدیکتر قلمداد می کرد،امروزه هم چه به اقتضای زبان استعاری شعر،چه به میانجی هر عامل دیگر،می دانیم که به قول بنیامین حقیقت در دوردست هاَ قرار دارد،اما آنچه اهمیت دارد این است که شعر با تمام ساز وکار درونی اش،توانایی این را دارد که تبدیل به درجه صفر نوشتار یا چیزی خنثی نشود،یا در مقام شوک عمل کند،*شاید از همین منظر است که هنرمندان نیمه ی دوم قرن بیستم در پی مفهوم زیباشناسی زشتی با ساختن مجسمه هایی از مدفوع یا جنازه ی انسان یا خوابیدنَ در وانی از امعا و احشای جانوران،و یا ساختن چلیکی از اسپرم به دنبال بی مفهوم کردن هنر یا وارد کردن شوک به مخاطبان شان بودند*،این همان رویکردی چالش برانگیزی هست که در همین نوشتار از زبان سانتاگ نقل کرده ایم،محصولی که بتواند چالشی در مخاطب خود ایجاد کند،یا محرکی باشد برای رویکردی پراتیک،شعری که از رنج حرف می زند،از مصایب بشری، اگر نتواند در خواننده برانگیختگی ای در خدمت کنش و عمل ایجاد کند به چه کار می آید؟از همین منظر است که نگارنده این سطور معتقد است که شاعر در پرداختن به هر آنچه که شر،بدی،زشتی و مسایل رنجبار دیگر ضرورتا باید از توجه بیش از اندازه به مسایل زیباشناختی در زبان و دیگر عنا صر پرهیز کند،تا شعر تنها به پدیده ای صرفا هنری بدل نشود،چرا که اگر درباره هر آنچه خوفناک است،هر آنچه کثیف و زشت است،یا زجر آور است از مصاح و زبان زیبا استفا ده کنیم،محتوا به درستی در فرم رسوب نمی کند،محتوای آزار دهنده ی خشونتی که در جهان وجود دارد تنها به میانجی فرم و زبانی که پیوندی منطقی با وضعیتی اینچنینی دارد می تواند تا حدودی نسبت به انضمام وقایع سهمناک ادای وظیفه کند،شاید در راستای آفرینش ناکارامد درَ حوزه ی هنر و از جمله شعر است که تری ایگلتون در ساحت هنر به جریانی آوانگارد و انقلابی اعتقاد دارد و در کتاب((اهمیت نظریه)) می گوید:آوانگارد انقلابی چنین است،امر آوانگارد مدعی است که با زیباشناسی صرف کاری پیش نمی رود،زیباشناسی راه حل نیست،خود بخشی از مساله است،پس به هنری بیندیشیم که هنر نیست،از کتاب خانه ها و موزه ها بیرون بیایید،نقاشی هاتان را بر پیراهن مردم بکشید،شعر هاتان را در بلند گوی کارخانه ها فریاد کنید،و آن گاه که نمایش تمام شد پیشاپیش مردم به خیابان بریزید)) از دیدگاه تری ایگلتون تنها این گونه است که هنر به کاری می آید و در واقع به جریانی کنش آمیز و عملی می پیوندد،و گرنه شعر اگر قرار است با ساز و کار زیباشناختانه به کار توصیف یا رنگ و لعاب زدن به زشتی بر آید همان بهتر که تنها در خدمت زیبایی های هستی باشد،اگر شاعری خود را در مواجه با زشتی و رنج یا شری آزار دهنده می بیند،چرا نباید سویه های بد و کثیف آن چیزها را زیر ذره بین ببرد و بزرگ و بزرگترش نکند؟چرا نباید دست به درشت نمایی چهره ی منفور تمام چیزهایی که در زندگی وجود دارد،زد؟تا با درشت نمایی و برجسته کردن،و در کانون توجه قرار دادن،بیزاری خواننده را فراهم آورد تا در مواجه با شعر از جایگاه خواننده ای در پی لذت دست بشوید،تا با جایگزین شدن انزجار به جای لذت،از سر انزجار و خشم خود را تا مقام کسی که اقدام به عملی به نفع دنیا می کند،بالا کشد.

بخش پایانی

به خرمشهر و بهزاد زرین پور

علی جهانگیری

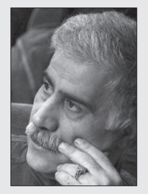

برای روایت ساده نیز ارزش قائل است ، معیارهای زیبایی شناسانه را ایجاد می کند ، از معیارها پیروی نمی کند ، بجای شکستن نرم زبان ، نرم را ایجاد می کند ، گاهی چنان ساده که یادمان می رود داریم شعر می خوانیم ، و اهمیتی هم نمی دهد به اینکه ممکن است منِ منتقد بسیاری از این سطرها را در راستای ساختار کلی کار نپسندم ، و به همین جهت است که ما با نوعِ جدیدی از خوانش در خودمان روبرو می شویم ، مخاطب را دچار تعریف های دیگری از شعر می کند ، همچون هم عصرانش از کلان روایت ها تن می زند ، ولی گاهی نیز شبیه شعار می شود ، او را به این سادگی نمی توان طبقه بندی کرد ، خیلی ساده بگویم ، بجای پیروی ، موقعیت ادبی را ایجاد می کند .

و هر جا می رفتند
کلید خانه شان را هم با خود می بردند
یادشان رفته بود
که پشت پایمان کسی آب نریخت
وقتی شهر را با خودش تنها می گذاشتیم.
تمام این سال ها
دلم یکپارچه آهن شده بود
غیر از محله کودکی ام
هیچ چیز نمی توانست بربایدش
اما حالا دیگر چگونه می توان
سر به هوا میان کوچه ها و میدان های «مین» دوید
و با شیطنت از روی آتشی پرید
که برای سوزاندن برپا شده است؟
چقدر بهانه می گیرم
من که این همه سال
چنان فقیر و سربه زیر خواب دیده ام
که یک ریال بهانه به دست هیچ کس نداده ام
فقط دلم می خواهد
دوباره با پول های توجیبی ام قلک بگیرم
اما این بار از گلوله و گندم پرش کنم

از آن شعرهایی است که می توانم در هر بندش چیزی و نگاهی را بیابم که مقدمه ی سطرهایی جدید باشد، برای منی که جنگ را با گوشت و پوستم لمس کرده ام ، بیرون رفتن از بسیاری از این تصویرها امکان ندارد ، به قول « هایدگر » : ما برای سنجش هر پدیدار ، از بیرون ، آن را توسط زبان مورد ارزیابی قرار می دهیم ، تنها زبان است که نمی توانیم از آن خارج شویم و با پدیداری دیگر آن را ارزیابی کنیم ،

برای من خروج از این سطرها امکان ندارد ، امکان ندارد بتوانم بسیاری از این ها را به واحدهای زبانی تقلیل دهم . « تفنگ ها و خیالهای ساده شان را بر می داشتند / و برای پس گرفتن خواب ها و رنگ های پریده ما / تا مرز باران و دیوانگی پیش می رفتند »

شاید گناه از ذهن معتاد من است که این سطرها بی اختیار درگیرم می کند و این گناه من است ، وگرنه این شعر ، بسیار تر است .

اما این بار . . .

صدای باد در می آید
حس می کنم حرف های زیادی برای وزیدن دارد
انگشتم را خیس می کنم
و بی جهت دنبال باد می وزم . . .
ساعت های عقب مانده
تفریح های زنگ خورده در حیاط مدرسه
نرده های درو شده
بذرهای عمل نکرده
نخل های روانی
عروسک هایی با آرایش نظامی یکدست
بانک هایی که خون در حساب هایشان جاریست
تابوتهای بی در و پیکر
شیروانی های بی پرو بال
ناودان های گرفته یی که در مرز بریدگی
هنوز احتمال بارندگی به کوچه می دهند
پنجره های وامانده
دیوارهای شکست خورده
و کوچه های له شده یی
که خیال بلند شدن ندارند
انگار هیچوقت چراغان نبوده اند
برادرم بهروز
در خیال های پرداخت نخورده اش
از این که کوچه یی به نامش خواهد شد
چقدر راضی بود
همیشه می گفت
دلم برای آنها که بی کوچه می میرند می سوزد
آی کوچه ها، کوچه ها
کدامتان تا همیشه بلند می مانید؟
آآی ی...
کاروان خوش گل و لای
به ماهیان موج گرفته ات بگو
با بلم های به ماتم نشسته کنار بیایند
فسیل رقص های له شده را
از زیر آوار پل به موزه نمی برند.

و در پایان باید اضافه کنم ، هر چند او خود این شعر را غیر ایدئولوژیک بخواند ، هر چند کسانی باشند که این شعر را ضد جنگ بدانند (بنا به دلایلی که مثلا هیچ اشاره منفی به دشمن نداشته است) ، و باشند کسانی مثل من که این شعر را آغاز ، شعر دفاع مقدس به معنای واقعی بدانیم ، باز هم چیزی از ارزش های ادبی و خصوصا نمادین این کار و کارهایی از این دست ، بعنوان شروع دوران جدیدی از شعر معاصر پارسی کم نمی کند .

با شاعران

شعری از ونداپرتوی

خونمردگی نه...
زخم نه... قطع نخاع ام
هم مرگ با یک دایره،
روی شعاعم
دورت زدن کار
خدایان رومی بود
من آنتی هستم، نمک دارد متاع
با برگ زیتون زنده می خواهم بمانم
زانوی هر جاده رگ واریس دارد
هر راه رفته، شانه از خون خیس دارد
من پای همت می گذارم در اتوبان
گفتی: خدای مرده ها پردیس دارد
هر جا بمیرم، سر به راهِ سر به راهم
از آفتاب یک مسافر قرض کردم
چای خداحافظ کنارت فرض کردم
خوابت نمی آمد ولی با چشم بسته
راندن خطر دارد...برایت عرض کردم
حالا تو زیر و من فلج، گیر زمینم
با ویلچر محشور و با درد ام هم آغوش
آنچه خدا داده، گرفته... یک قلپ روش
نوشش ولی پاهای من کوش؟!
تا کفر ایزد را نگویم، هیس...خاموش
صد صیغه ی نذر است در فکر حریصم
این عاقبت خیری گرفته باور ات را
اصلا بِبُر این سر که باشد کافرت را
من نه دعا...نه حرز...نه امن یجیب ات
باید فقط تو پس بگیری جوهرت را
با یک خدای تازه می خواهم بمیرم

شعری از آذردخت ضیائی

برگشتنت
فعل ناتمامی بود
که با هر بار صدا زدنم
تغییر چهره داد
چه سرد است
صورتی که گمشده
شکنجه ی تصویری که آیینه را
خالی کند
تمام آلبومهایم را ورق زده ام
سوار این اسبها
هرگز به پشت سر نگاه نکرده است
خاطره ای بگو
شاید جای پای ممتد مردی باشی
که بوسه اش اینبار
خاکستر دارد

شعری از نسرین قنبری

جابجا شد
آن‌قدر که تحت‌الشعاع
نبود
به‌بزرگی زمزمه‌ای
مخفی شدیم و
لبخندمان جا انداخت
انفجارپوستم
ریزش خوابهایی که از دستمان رفت
قدمهای غریزی‌ام جفت نشد
شهر، شب را گرفت
باد، خانه را بزرگتر کرد
زیر سکوت جمعی
سالهای مخفی
آفتاب جنسیت‌پذیر را باور نداشت
به‌بی‌تفاوتی گریه‌هایش برگشتم
به اتاقی نیمه‌باز
هوایی متراکم
مخوف‌ترین
قرار این هفته
و صندلیهایی که
از انتظار خالی شد
شکلی شبیه شکستن ظرفها
سنگین شده اعصابم
از جمعیت ثانیه‌ها
از دیوارهای لبالب
و نیم‌نگاههای ترسیده
...
رفتارهای طولانی‌ام
را ترک می‌کنم
وقتی تمام
لمس تو بیگانه است
خونریزی
حرکات بعدی
حست را عوض می‌کند